

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشقوری
فرستنده: محمود شاداب
۱۵ جون ۲۰۱۹

[شرم و حیاء]

شرم و حیاء به دیده خرد و کلان نماند
رفت و روی که داشت عزیزان سقوط کرد
نیک و بد جهان همه بر جان رسیده اند
تا باری تاجران سر موتر فتاده است
ویرانه های این وطن آباد چون شود
تفریحگاه، کابل ما بود ای دریغ
ای عشقوری خموش زاصل و نسب مپرس
نور و نمک به چهره پیر و جوان نماند
قوشخانه ها خراب شد و مهمان نماند
گراسست پرسی با کسی تاب و توان نماند
ساز جرس به شیروئی کاروان نماند
مردان با فراست و کاریگران نماند
خواجه صفا خراب شد و ارغوان نماند
مردان با شرافت یک خاندان نماند